

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

در جلسه قبل شش دلیل از اخباریین ذکر کردیم بر اینکه ظاهر قرآن حجت نمی باشد و قرآن مجموعه ای از آیات مجمل و متشابه است؛ اقتضای برخی از ادله اخباریین این بود که قرآن ظهور دارد اما نمی شود به این ظهور اعتماد کرد و طبق آن فتوی داد.

در جلسه امروز می خواهیم ببینیم ادله اخباریین تا چه حد قوت علمی دارد و به نقد های مرحوم آخوند بر اخباریین خواهیم پرداخت.

استاد علیدوست: ما هم نقد مرحوم آخوند را بیان می کنیم و هم نقد نقد آن را بیان می کنیم.

اولین دلیل اخباری ها: انّ للقرآن اهلاً... و لذا قرآن مخاطب خاص دارد و معصومین مخاطب خاص قرآن هستند و لذا فقیه نمی تواند به سراغ قرآن برود.

مرحوم آخوند: آیا مجموعه قرآن اشاره به مخاطب خاص دارد یا جمیع قرآن؟ اگر مراد اولی باشد درست است چون برخی آیات را فقط معصوم متوجه می شود و مجموعه هم به اعتبار برخی آیات اطلاق شده است؛ اما اگر بگویید جمیع قرآن یعنی تک تک آیات مخاطبش معصومین هستند و این درست نیست، چرا که برخی آیات فهمش مختص به معصوم نیست قطعاً مثل ذالک الكتاب لا ریب فیه و... .

اما نهی امام ابوحنیفه را از عمل به ظواهر قرآن به خاطر این است که ابوحنیفه صاحب دکان بود در مقابل ائمه و اصلاً به ائمه رجوع نمی کردند اما آقایان اخباری ما به سراغ ائمه می رویم و بعد از رجوع به ائمه به قرآن مراجعه می کنیم و لذا اشکال وارد نیست.

استاد علیدوست: جواب مرحوم آخوند حاوی یک مطلب بود که ما باید در آینده به آن رسیدگی کنیم و آن اینکه آیا اخباری ها بعد از رجوع به عام و خاص، مطلق و مقید و... مخالف رجوع فقیه به ظواهر قرآن هستند یا قبل از رجوع؟ این باید بررسی شود؛ چون اگر اخباری ها بگویند ما قبل از رجوع به معصوم ظاهر قرآن را بر فقیه، حجت نمی دانیم در این صورت نزاع ما با اخباری ها لفظی خواهد بود.

اما دلیل دوم اخباری ها: قرآن مطالب عالییه و شامخه دارد و لذا ظاهرش برای فقیه حجت نیست.

مرحوم آخوند: وجود مطالب عالییه و شامخه و... آیا سبب می شود که ما نتوانیم از آیات متضمن احکام (که جزء مطالب غامضه نیست) مثل آیهی وضو و ارث و... برداشت کنیم.

استاد علیدوست: آیا اخباری ها می خواهند بگویند که تمام آیات قرآن مضامین عالییه و شامخه دارد؛ در این صورت کلام مرحوم آخوند حرف این ها را ردّ می کند؛ اما اگر اخباری ها بگویند بخشی از قرآن شامل مطالب عالییه و غامضه است و ما نمی دانیم کدام آیات غامض است و کدام نیست و لذا ظهوری شکل نمی گیرد و یا اگر بگیرد حجت نیست؛ در این صورت جواب مرحوم آخوند بدر نمی خورد.

دلیل سوم اخباریین: ظاهر مصداق متشابه است و متشابه نهی از متابعت دارد پس ظاهر نهی از متابعت دارد.

ان قلت: از کجا می گویند که ظاهر جزء متشابه است. قلت: احتمال متشابه بودن که دارد و لذا ظاهر بر عدم حجیت باقی می ماند.

مرحوم آخوند: ظواهر نه به طور قطع و نه به طور احتمال از متشابهات نیست بلکه مجمل جزء متشابه است. استاد علیدوست:

متأسفانه علیرغم بزرگی مرحوم آخوند از این جواب هم نمی شود دفاع کرد؛ مرحوم آخوند می گوید: متشابه یعنی مجمل... ما می گوئیم چه کسی گفته است متشابه یعنی مجمل؟ اتفاقاً متشابه به چیزی می گویند که ظاهر لیزی دارد نه مجمل. (که ظاهری ندارد)

نکته: ید الله فوق ایدیهم ... الی ربها ناظره و... از متشابهات قرآن است.

قرآن می فرماید: اما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه... کسی که در قلبش زیغ دارد اصول محاوره را رعایت می کند و لذا (اخذ به مجمل نمی کند) اما مشکلش این است که به سراغ اهل بیت نمی رود و ظاهر را اخذ می کند؛ مثلاً در آیه ید الله فوق ایدیهم ... دست ظاهری را برداشت می کند.

دلیل چهارم: ما نمی گوئیم ظواهر از متشابهات است ولی معتقدیم که ظواهر قرآن مبتلا به تخصیص و تقييد و مجاز و نسخ و... شده است و لذا هر ظاهری ممکن است تخصیص یا تقييد و... خورده باشد و لذا اخذ به ظواهر ممکن نیست.

جواب مرحوم آخوند: علم اجمالی در اینجا منحل می شود. (انحلال علم اجمالی)

ما به فقیه می گوئیم برو فحص کن و عام و خاص و... را ببین و وقتی فقیه از اینها فحص کرد، دیگر علم اجمالی منحل می شود و لذا راه باز می شود برای تمسک به ظاهر آیات قرآن کریم.

انشاءالله در جلسه بعد تکمله‌ای بر این جواب داریم.

الحمد لله رب العالمین